

تماشا خانه

امیررضا کوهستانی و «سالگشتگی» به‌روایت «کاردین»

بازگشت سوررئال به سوزۀ عشق

برگردان: آینا قطبی‌یعقوبی

● امیررضا کوهستانی، کارگردان ایرانی با نمایش‌های «سالگشتگی» و «رقص روی لیوان‌ها، تابوهای اجتماعی را بر صحنه، دور می‌زنند. ایرانیان در مسایل مربوط به نزدیکی روابط عاطفی، چندان هم اهل بیان و نمایش نیستند؛ چه فیلم باشد و چه تئاتر یا حتی سایر هنرهای بصری، بیشتر هنرمندان ایرانی خواه در خانه باشند و خواه خارج از آن، کمتر به‌وضوح به بیان مسایل مربوط به روابط نزدیک عاطفی رو می‌آورند. آنها احتیاط و استعاره را ترجیح می‌دهند که تاثیر پدیده فرهنگی خاص خود آنهاست. موقعیتی که به آنها اجازه می‌دهد در کنار سانسور رسمی به حیات خود ادامه دهند. یکی از بهترین نمونه‌های این پدیده، فیلم «جدایی» است که در آن زن و شوهر فیلم، نادر و سمین، هیچ‌گاه درباره مسایل خصوصی رابطه شخصی خود، در برابر دوربین حرف نمی‌زنند. آنها درباره مشکلات اجتماعی خود، بیماری پدر نادر، میل سمین برای ترک کشور و مشکلات مالی بحث می‌کنند و از خلال همین بحث‌هاست که علت درخواست طلاق سمین مطرح می‌شود. اما از آنجا که هیچ توضیح عمیق‌تری برای جدایی عاطفی آنها داده نمی‌شود، بنابراین مخاطب (علی‌الخصوص مخاطب غربی) که با فرهنگ ایرانی و رمزگان‌های هنری آن آشنا نیست) نمی‌تواند بفهمد که واقعا میان این دو چه می‌گذرد. مثال بهتری از این ماجرا را می‌توان در اجرای تئاتری امیررضا کوهستانی در سال ۲۰۰۱ یافت. او یک نمایش چشمگیر خودزندگینمایی درخصوص یک رابطه عاشقانه و نتایج آن را روی صحنه می‌برد. او اخیرا در این‌باره می‌گوید: «در سن ۲۲ سالگی من دوباره موسیقی متالیکا و دختری بودم که از آن زمان تاکنون دیگر او را ندیده‌ام. س‌دی متالیکا همیشه و بدون هیچ دلیل خاصی در حال پخش بود. روز یا شب، چه در حال نوشتن بودم و چه نه، صدای جیمز هفلیده از اتاق من شنیده می‌شد. حتی روزی که آن دختر، در خانه مرا زد تا برای همیشه ما من تمام کند صدای این موسیقی در خانه پخش می‌شد. ما یک با دوست‌عامه حرف زدیم. همان صبح‌هایی که دختران و پسران آن سن و سال، در هنگام تمام‌کردن رابطه به یکدیگر می‌گویند. با وجود آنکه من به‌سختی صدای او را می‌شنیدم و وقتی چیزی می‌پرسیدم او نیز می‌پرسید: «چی؟چی؟»، من از جیمز تکان نمی‌خوردم تا صدای موسیقی را قطع کنم. نمی‌توانستم حرکت تکملات او مرا از یاداندختن بود و دیگر نمی‌توانستم از جیمز بلند شوم؛ در رقص روی لیوان‌ها زن و مردی در دوسر یک میز رو به یکدیگر نشسته‌اند. آنها به‌سختی برای ارتباط و فهمیدن یکدیگر تلاش می‌کنند. با اینکه این نمایش در دوره اول ریاست‌جمهوری خاتمی که اغلب، دوران طلایی آزادی هنری در ایران نیز توصیف می‌شود، خلق و اجرا شده است، اما دیدن اینکه این نمایش که روابط نزدیک یک زوج، احساسات پرشور آنها و نامیدی‌شان را ازآزادانه بازتاب می‌دهد، کمی تکان‌دهنده است. رقص روی لیوان‌ها با استقبال خوبی مواجه شد و به مدت چهارسال در توری بین‌المللی روی صحنه رفت. با این‌حال سال‌های زیادی را بدون بازگشتن به سوزۀ عشق گذرانده است و شک و تردیدهایی فراوانی را نیز برای دست گرفتن دوباره پرورژه‌های ۱۲ ساله از عمرش گذشته و آغازگر زندگی حرفه‌ای او به‌عنوان یک کارگردان صاحب‌نام نیز بوده، داشته است. پاپیز اسمال در فستیوال اکتورال مارس، کوهستانی نمایش تازه خود به نام سالگشتگی را به صحنه برد. نمایش با تهیه‌کنندگی مشترک گروه تئاتر مهر و فستیوال ل بتی سوویس و همکاری فستیوال اکتورال، چند روز پیش از فستیوال اکتورال در ژنو رونمایی شد. «چند هفته پیش اقامت ما مرتب می‌کردم و بروشور قدیمی جشنواره هنرهای کانستن را پیدا کردم که در میانش یک کارت ویزیت قرار داشت و روی کارت ویزیت نام من به همراه یک شماره تلفن چاپ شده بود.

فلاش‌بک: سال۲۰۰۴ است و اجرای رقص روی لیوان‌ها با موفقیت غیرمنتظره‌ای روبه‌رو شده، روز بعد از آخرین اجرائیم، فستیوال به من یک موبایل با سیم کارت بلژیکی و تعدادی کارت ویزیت داده که نام و شماره تازه بر آنها حک شده‌است. به زمان حال و سال ۲۰۱۳ بر‌گشتم. به کارت نگاه کردم و به شماره روی آن رنگ زدم. مرد جوانی گوشی را برداشت. من به انگلیسی سلام کردم و او هم پاسخخم را به انگلیسی بدهم‌داد. به فارسی گفتم که می‌خواهم با امیررضا کوهستانی صحبت کنم و او در پاسخخم گفت که خودش است و من گفتم که می‌خواستم از شما برای اقتباس از رقص روی لیوان‌ها اجازه بگیرم.» این حکایت سوررئال، بیاتگر ساختار نمایش جدید است. صدای کوهستانی در این اثر نیز سه شخصیت تقسیم شده است؛ کارگردان صحنه که تنها صدایش شنیده می‌شود، بازیگری که نقش گذشته خود را بازی می‌کند و صدای خارج صحنه دیگری که در ابتدا و انتهای نمایش، نامهای عاشقانه را برای معشوق از دست‌رفته خود می‌خواند. کوهستانی با استفاده از استراتژی روایت‌های چندگانه و تلفیق گذشته و حال، میان خود و تاریخچه شخصی‌اش فاصله افکنده و مخاطب را درخصوص رابطه نزدیک عاطفی زوج، سردرگم می‌کند. در سالگشتگی دو بازیگر، مهین صدری و حسن معجونی پس از سال‌ها با یکدیگر مواجه می‌شوند. آنها به خواست کارگردان، فروخوانده شده‌اند که دی‌وی‌دی رقص روی لیوان‌ها را دوبله کنند. این اتفاق در یک استودیوی ضبط صدا و با استفاده از تصویر ویدیویی نمایش رقص روی لیوان‌ها که روی مانیتورهایی بر فراز سر بازیگران رخش می‌شود، رخ می‌دهد. کوهستانی اکنون سالگشتگی را در تهران نمایش می‌دهد. ممیزی ایرانی چه واکنشی به این اجرا خواهد داشت؟ خودش در این‌باره گفته است: «وقتی آنها متن را خواندند، نمی‌دانستند چه بگویند. متن به نظرشان آنقدر شخصی بود که فکر کردند باید روی صحنه قضاوتش کنند».

دنیا **عیوضی**: مراسم اختتامیه هفتمین جشنواره سینماحقیقت سه‌شنبه‌شب در حالی برگزار شد که در این مراسم به‌شکل ویژه از ناصر تقوایی تقدیر شد. به‌طوری که حضاران به احترام او ایستادند. رخشان بنی‌اعتماد نیز در صحبت‌هایی از برخوردهایی که در سال‌های اخیر با مستندسازان صورت گرفته بود انتقاد کرد. در این مراسم علی‌محمد قاسمی و حسن نقاشی انتقادات شدیدی را از مدیران قبلی انجمن سینما جوان و مرکز سینمای مستند نیز مطرح کردند. همچنین در این برنامه محمد آفریده، داور جشنواره و از مدیران قبلی مرکز سینمای مستند به‌شکل ویژه توسط حضاران مورد تشویق قرار گرفت.

تقوایی: ما به عهد سپنتا بر گشته‌ایم

ناصر تقوایی در مراسم تقدیرش که با حضور رخشان بنی‌اعتماد، کیوشرت پوراحمد، ایوبی، طباطبایی‌نژاد و مهندس جعفری جلوه بر گزار شد در حالی که اشک از چشماش جاری شده بود گفت: تا به‌حال کسی مزاحم کار من نبوده که ممنوعیتی یا حد و مرزی برایم تعیین کرده باشد اما من دوست دارم فیلمی را بسازم که برای خودم باشد. او با بیان اینکه من هیچ‌گاه در کاری حرف‌ای نمی‌شوم و اگر نتوانم فیلم بسازم می‌نویسم یا آموزش می‌دهم، سخنانش را اینگونه ادامه داد: کسی که می‌خواهم مثل من زندگی کند، تجربه‌هایی به‌اندازه من داشته باشد، بین یک فریم عکس و فیلم در ذهن من تفاوتی نیست، به همین دلیل می‌گویم برعکس آنچه از دور به‌نظر می‌آید من هرگز بیکار نبوده‌ام. این فیلمساز با اشاره به اینکه من برای سال‌ها بعد از مرگ آثار قابل چاپ گذاشتم، سخنانش را اینگونه ادامه داد: اما با هرگونه دخل و تصرف در آثارم مخالفم و گرنه در تمام این دوران سینما شرایط به‌گونه‌ای نبوده که کسی نخواهد من فیلم بسازم. درواقع گرفتاری‌هایی که بعد از انقلاب در طول مدیریت‌های متفاوت سینمایی به آن دچار شدم به خواندن فیلمنامه‌هایم مربوط می‌شد. تقوایی با تأکید بر اینک پس از انقلاب حتی یک فریم از فیلم‌های من سانسور نشده است اظهار کرد: شاید کسی این موضوع را باور نکند، ولی واقعیت است، یک فریم از فیلم‌های من سانسور نشده اما فیلمنامه‌هایم بین ۱۰ تا ۱۸۰ سال معطل اجازه‌گرفتن بودند. کارگردان فیلم «کاغذ بی خط» گفت: من «کاغذ بی خط» را ۱۸ سال بعد از نوشتن فیلمنامه‌اش ساختم. او با اشاره به اینکه من با همه کسانی که مدیر بودند حتی با آنهایی که به تندی از آنها گله کردم رابطه

چندصباحی است کوچه «سمنان» جنب‌جوش دیگری به خود گرفته ساختمان اجرای‌خانه سینما، در این خیابان طی ماه‌ها و سال‌های گذشته شاهد خنده‌های تلخ و شیرین بسیاری بوده شیرین ترنشان بازگشایی دوباره این خانه بعد از نزدیک به دوسال بود. غروب روز گذشته این خانه یکبار دیگر جنب‌جوشی دوباره به خود دیده؛ از آن‌رو که وزیر کشور به‌خانه سینما آمد تا با سینماگران دیدار کند. حضور خانواده سینما پرشمار بود؛ به‌طوری که جایی برای نشستن بسیاری نبود. خیلی‌ها ایستاده بودند. موقعی که رحمانی‌فضلی قرار بود داخل سالن شود، ملکی، از مدیران خانه سینما، به‌دنبال اینن بود که راه را به‌گونه‌ای باز کند که وزیر برای آمدن مشکلی نداشته باشد. به ملکی می‌گویم عیب ندارد، بگذار وزیر به‌خاطر شلوغی یک مقدار بهش فشار بیاذ شاید یک ساختمان بزرگ با یک سالن بزرگ به سینماگران بدهد. در ابتدای برنامه محمدمهدی عسگرپور، مدیرعامل خانه سینما توضیحاتی درباره این دیدار داد و حجت‌الله ایوبی، رییس سازمان سینمایی در صحبت‌هایی گفت: «اگر گذشته‌ای از کل ایران چهره فرهنگی بسازیم وزارت کشور می‌تواند نقش قابل‌توجهی داشته‌باشد».

او تأکید کرد: «هم‌طور که نهضت مدرسه‌سازی موفق بود باید نهضت سینماسازی هم موفق شود» ایوبی عنوان کرد: «متأسفانه سینما هنوز در دستور کار کشور نیست با وجود افتخاراتی که در دنیا کسب کرده و خدماتی که به انقلاب کرده است.»ایوبی به زمانی که در وزارت کشور به‌عنوان معاون اجتماعی فعالیت می‌کرد اشاره کرد و گفت: «ما اولین بار رایت فیلم‌ها را در وزارت کشور خریداری کردیم. به‌نظر من سینما می‌تواند نقش قابل‌توجهی در زمینه مقابله با آسیب‌های اجتماعی مثل موادمخدر داشته باشد».

در ادامه رحمانی‌فضلی، وزیر کشور و مدیر صحبت‌هایی گفت: «ما دست استمداد به سمت شما در می‌کنیم. ما هر کجا بوده‌ایم نگاه توسعه‌محور داشته‌ایم. ما هنوز از قاچاقچیان و معتادان خیلی عقیبیم. چون از روش‌های قدیمی و سنتی استفاده می‌شود و با توجه به پیچیدهبودن

وزیر امور خارجه در پشت صحنه سریال «شوخی کردم»

شوخی با ظریف به سبک مدیری

یادگاری دکتر ظریف با بازیگران و عوامل این مجموعه به پایان رسید. مجموعه «شوخی کردم» با موضوعات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با حضور ۶۷بازیگر طلن ایران، از اواسط دی‌ماه در شبکه خانگی توزیع خواهد شد. این مجموعه در قالب طنز آیینی و برای پخش در شبکه‌نمایش خانگی با سرمایه‌گذاری موسسه فرهنگی گلرنگ رسانه تولید می‌شود. مدیری مدتی، پس از اتمام تصویربرداری سریال «ویلا ی من»، پیش تولید «شوخی کردم» را با حضور بیش از ۶۰عُفر از چهره‌های مطرح طنز ایران در ۲۰سال گذشته آغاز کرد. فصل اول این سریال ابتدا در ۳۶قسمت تولید و سپس از دریافت بازخوردهای مردمی، تصویربرداری فصل دوم آن آغاز می‌شود.



دوستانه دارم بیان کرد. هرگز موضوعاتی را که مربوط به درون یک اثر است بیرون نمی‌کنم اما می‌خواهم بگویم اگر می‌خواهیم محصولات پرتعدادتری داشته باشیم باید این را در نظر داشته باشیم که بچه‌های جوانی که هرگز کرور به کلاس‌های سینمایی می‌روند به کدام امید هستند. این در حالی است که زمانی آنها خود را در حد سینماگران برتر سینما می‌دیدند ولی الان بیشتر پشت صحنه سینما را کشف کرده‌اند. او ادامه داد: سالی ۲۰۰۰ نفر از این جوانان فقط در کلاس‌های من حضور دارند. باید یک‌جایی پاسخگوی خیلی از جوانانی باشیم که در صف هستند و امیدوارم با این اتفاق مبارکی که در جامعه ما افتاده یک مدیریت و ساماندهی جدیدی را در سینمای خودمان داشته باشیم. تقوایی همچنین خاطرنشان کرد: قدر مسلم این است که سیاست جدید به فروکش کردن استعدادها منجر شده و آدم‌هایی مثل من پوست‌گلفت بودند که باقیی مانده‌اند. وی با بیان اینکه در بخش صنعت و تکنیک سینما به عهد سپنتا برگشتیم، گفت: تلویزیون با سلیقه مردم کاری کرده که اصلا کیفیت را تشخیص نمی‌دهند و فیلم‌های خوب را از بد جدا نمی‌کنند. به همین دلیل می‌گویم که به‌جای پیشرفت در این سال‌ها عقب‌نشینی کرده‌ایم، بنابراین نباید خیلی روی تعداد آثار ساخته‌شده دست بگذاریم. او با اشاره به اینکه اشتیاق دارد فیلم بسازد، افزود: نکته دیگری که بسیار اهمیت دارد به بخش پس از تولید آثار

داریوش ارجمند نیز در این مراسم گفت: ورود من به سینما با دستان پرمرهم اسطوره سینمای ایران، استاد ناصر تقوایی گره خورده است و نمی‌دانم چه بگویم به کسانی که سال‌های سال او را از ساختن فیلم محروم کرده‌اند. رییس سازمان سینمایی هم در مراسم اختتامیه هفتمین جشنواره سینما حقیقت واکنش جالبی به اظهارات ارجمند داشت و گفت: آینده

دیدار وزیر کشور با سینماگران در کوچه «سمنان»

محمد تاجیک

اعتیاد کشیده شوند. اگر آرامش و مهربانی در جامعه بیشتر شود قطعا دعواها کاهش یافته و اعتیاد کمتر می‌شود» تیریزی ادامه داد: «ادم معتاد به موادمخدر نمی‌آورد تا خودش را بتواند آرام کند. اگر شرایطی ایجاد کنیم که آرامش در کشور ایجاد شود قطعا آمار معتادان ما کمتر و قطعاً مصرف موادمخدر کاهش پیدا خواهد کرد. اگر جمعی از هنرمندان کنار هم قرار بگیرند، می‌توانند موجی ایجاد کنند که تاثیرگذار باشد.»

تیمینه میلانی نیز در این برنامه با اشاره به تجربه یکی از کشورهای اروپایی در زمینه مبارزه با روسپیری گفت: «این کشور اروپایی کمترین میزان روسپی‌ها را در میان دیگر کشورها دارد» او افزود: «اگر شرایط مناسب باشد، ما می‌توانیم سرخ افرادی رفت که به سراغ روسپی‌ها می‌روند.» او همچنین با انتقاد از برخی رفتارها گفت: «ما به‌جای اینکه آفتابه بیندازیم به گردن‌ها، باید به دنبال روش‌های صحیح برای مقابله با آسیب‌های اجتماعی باشیم. حلقه آخر اتصال یک دولت با مردم، مامور یا کارمندی است که از تباط و محترمانه‌ای با مردم نداشته است. این حلقه‌های آخر اتصال باید به خوبی آموزش داده شوند. با آموزش دیدن فرشته طائرپور، تهیه‌کننده مطرح سینما نیز در صحبت‌هایی گفت: «ما باید راجع به واژه سیانمایی تکلیف خود را مشخص کنیم. اینکه آیا این فیلم‌ها را بالاخره نشان بدهیم یا نه. همچنین مرضی زقاق کریمی، تهیه‌کننده سینمای مستند گفت: «سینمای مستند یکی از بهترین شوه‌هایی است که می‌شود جامعه را به تصویر کشید. متأسفانه مستندها در تلویزیون به شکل نامناسبی پخش می‌شود، بعد می‌گویند سینمای مستند مخاطب ندارد.

سینمای ایران روشن است و دورانی که تقوایی‌ها نتوانند فیلم بسازند، گذشت؛ ضمن اینکه حضور جوان‌های سینماگر در این عرصه امیدبخش و قابل تقدیر است. حجت‌الله ایوبی، رییس سازمان سینمایی کشور با تقدیر از برگزارکنندگان این دوره گفت: در طول جلساتی که به سینما فلسطین و سپیده می‌آدم چهره‌هایی سرشار از امید را دیدم و به درستی دریافتم که همه فیلمسازان جوان، این جشنواره را از آن خود می‌دانستند و همه میزبان آن بودند. این حس را من از نگاه و لبخندهایی که در جمعیت می‌دیدم، درک کردم. همه اینها بزرگ‌ترین دستاورد و موفقیت جشنواره سینماحقیقت بود و امیدوارم در جشنواره‌های بعد هم نگاه مدیریتی به همین شکل باشد.

علی محمد قاسمی: ما منتظر شفاف‌سازی هزینه‌های مدیران قبلی هستیم

علی محمدقاسمی که برای فیلم «گزارش شنبه» در بخش پژوهش جایزه گرفت، پیش از این در مراسم تودیع و معارفه رییس مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی و مراسم‌های دیگر با خواندن نامه و درآوردن آگهی روزنامه از جیب خود مطالبی را خطاب به طباطبایی‌نژاد مطرح کرده بود، او این‌سار باز هم قصد داشت مطالبی را مطرح کند که ابتدا گفت: فکر می‌کنم این آخرین مطلبی باشد که می‌خوانم. مخصوصا اینکه آقای ایوبی مرا به همین شکل (با خواندن نامه) شناخته است. این مستندساز خطاب به جنتی (وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی)، ایوبی (رییس سازمان سینمایی) و طباطبایی‌نژاد (مدیرعامل مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی) گفت: اتفاقات ناخوشایندی در چندسال گذشته در سینمای مستند وارد شده و فرصت‌ها از دست رفته و موهای بسیاری سفید شده است. در این مدت بیت‌المال در راه‌های ناصواب صرف شده است. او ادامه داد: این جمع (حاضران در سالن) با ایستادنشان به شما می‌گویند که پیگیر مدیرانی باشید که عشقمان را دچار تابلطم کردند، ما منتظر شفاف‌سازی هزینه‌های انجام‌شده هستیم، نمی‌بخشیم و فراموش نمی‌کنیم. علی محمدقاسمی سپس از حضاران خواست اگر حرف‌های او را تأیید می‌کنند ۱۰ تانیه بایستند که همه حاضران بلند شدند و به تشویق او پرداختند. این مستندساز پس از تشویق حضاران خطاب‌به ایوبی گفت: آقای ایوبی این امضای دوستان بود که نشان می‌دهد آنها پشت‌شما هستند.

در حالی که در خارج مستندهایی که تصویر واقعی را از جامعه نشان می‌دهند از مخاطب گسترده‌ای برخوردارند متأسفانه در این سال‌ها سینمای مستند متهم به سیانمایی شده است.»منوچهر محمدی، تهیه‌کننده نیز در صحبت‌های خود گفت: «بهرتو بد به جای ما سینماگران، خانواده‌های آنها در اینجا بودند و بغض در گلو ی آنها و رنجی که می‌کشند بیشتر می‌توانست ما و شما را بیدار کند» محمدی ادامه داد: «ما باید ترسیم و نهراسیم برای حل کردن مشکلات و مانند جراحی باشیم که می‌خواهد بیماری را رنجت دهد.»محمدی ادامه داد: «در تلویزیون به قطعاً مصرف موادمخدر کاهش پیدا خواهد کرد. اگر جمعی از هنرمندان کنار هم قرار بگیرند، می‌توانند موجی ایجاد کنند که تاثیرگذار باشد.»

او تأکید کرد: «باید سادترین و تلخ‌ترین وجه این ماجرا از نشان داد که جوان ۱۷،۱۶ساله ما بت‌سد که به سمت اعتیاد برود» رضا کیانیان نیز در این برنامه گفت: «در هشت سال گذشته چه شد که مردم ما یاد کرده شمالی افتادند. ما روشنفکران که می‌دانستیم در کره شمالی چه خبر است؟ الان همه می‌دانند که کره شمالی یعنی سانسور در حد المپیک. پس نباید به سانسور آثار سینمایی بپردازیم» کیانیان خطاب به وزیر کشور گفت: «حالا اینجا هستی باید کمیتی‌ای از ما و شما تشکیل دهید و کارهایی را انجام دهید. یک ستاد مشترک کمیته باید ایجاد شود.» وزیر کشور همچنین در انتهای این برنامه از انعقاد تهاجمانه‌ای با سینماگران استقبال کرد. او همچنین در مورد پخش نندن مستندهایی درباره اعتیاد از تلویزیون گفت: «متولی صدواسیم‌ها ضرغامی است و اگر جای ایشان بودم این فیلم‌هایی را که می‌گویند سیانمایی است، نشان می‌دام. البته معتقدم آقای ضرغامی مشکلی برای پخش این فیلم‌ها ندارد و پخش خواهد کرد. من به تلویزیون گفت‌ها هر ایرادی که در وزارت کشور دیدید را پخش کنید» وزیر کشور تأکید کرد: «مستندسازی کار بسیار مهمی است و ما به فیلم‌های مستند توجه ویژه‌ای خواهیم داشت»

چهره روز

تشییع جنازه یک هنرمند با حضور خودش **مرگ «آبراموویچ» در نیویورک به صحنه رفت**



● **شرق:** این غیررسمی‌ترین شکل جاسوسی است که کسی در مراسم تشییع جنازه خود شرکت کند. اما مارینا آبراموویچ این حسرت را داشته که از روبرت ویلسون، کارگردان آمریکایی خواهدمرگ را رابابازی خودش روی صحنه بازسازی کند. به گزارش نیویورکتایمز این‌روزها نمایش اپرای زندگی و مرگ مارینا آبراموویچ، هنرمند ۶۲ساله صرب و از پیشگامان هنر اجرا- پرفورمنس - در سالن «پارک اونیسوای، نیویورک روی صحنه رفته است. نمایش با مراسم تشییع آبراموویچ شروع می‌شود، خودش می‌گوید دلش می‌خواهد مراسم تدفینش هزمان در سه شهری برگزار شود که بیشتر عمرش را در آنها سبیری کرده: بلگراد، آمستردام و نیویورک. هیچ‌کس نخواهد دانست بدش در کدامیک از سه تابلوت و در کدام شهر دفن می‌شود؛ اشما مرگ خود را نمی‌توانید رهبری و طراحی کنید، اما مراسم تدفینتان را می‌توانید.»ویلسون یکی از شاخص‌ترین کارگردانان تئاتر تجربی است. رابرت ویلسون به او می‌گوید بلکه این نمایش نمی‌خواهد کارهای مارینا را مرور کند بلکه علاقه‌مند است زندگی او را بر صحنه ببرد. کار آغاز می‌شود و این دو نوشتن صحنه‌های مختلفی از زندگی مارینا را شروع می‌کنند. آبراموویچ درباره بازی در این نمایش گفته: «فکر می‌کنم مرگ در فرهنگ‌های شرقی بخشی از زندگی است و اگر بدانیم که در هر دقیقه ممکن است بمیریم و آن را در زندگی روزانه‌مان جاری کنیم از زندگی لذت می‌بریم.» ویلسون در این اجرا رابطه هنرمند با مخاطب و طاقّت و مفاهیم ذهنی او را به تصویر کشیده است. در این اثر یک‌ساعت‌ونیمه زندگی آبراموویچ در دهه ۸۰، زمانی که او با اولای، شریک و همراهش زندگی و کار می‌کرد آغاز می‌شود. نقش اولای که در مقابل آبراموویچ قرار می‌گیرد را ویلیام دفور، بازیگر دروازه بهشت بازی می‌کند. او در گفت‌وگویی خود را گاهی یک عنصر احساسی و گاهی یک عنصر اطلاعاتی و زمانی نیز عنصر موسیقی می‌داند و از این تغییر نقش لذت می‌برد. مارینا آبراموویچ در یک خانواده کمونیست به‌دنیا آمد. پدر و مادرش در ورو در جریان جنگ جهانی‌دوم پارتیزان بودند و در کنار مارشال تیتو می‌جنگیدند. او در زندگی تحت‌تاثیر مادرش بود که بسیار سختگیر بود. آبراموویچ با سختی زیادی زندگی کرد و در دهه ۷۰ نخستین پرفورمنس خود را اجرا کرد. این‌روزها داستان مرگ و زندگی مارینا آبراموویچ روی صحنه است. اسما در زندگی واقعی او زمان دارد تا با مرگ روبه‌رو شود. این هنرمند صرب برنامه‌های متعددی برای اجرا دارد. تلسیس بنیادی برای هنرمندان پرفورمنس نسل جدید در شرق اروپا، همکاری با جیمز فرانکو و طراحی پرفورمنسی برای مسابقات جام جهانی ۲۰۱۴ در ریودژانئرو برخی از برنامه‌های او هستند. «سال ۲۰۱۴ برمی‌گردد، دلالت برآیند تنگ نمی‌شود».

پیشنهاد روز

شب یلدای سینمایی «شهر کتاب»

● **شرق:** فروشگاه مرکزی شهر کتاب در برنامه‌ای که برای شب یلدای اسمال تدارک دیده، میزبان چهار هنرمند سینمای ایران است. در نشست که به‌مناسبت شب یلدا و با حضور علاقه‌مندان در شهر کتاب مرکزی برگزار می‌شود، ناصر طهماسب (دولور)، هنگامه قاضیانی و خاطره اسدی (بازیگر) و محمدهادی کریمی (فیلمنامه‌نویس و کارگردان) حضور خواهند داشت. این نشست ساعت ۱۷ روز شنبه ۳۰آذر در خیابان دکتر شریعتی، بالاتر از تقاطع مطهری، نبش کوچه کلاهه برگزار می‌شود.

سر خط

● **ایستا:** مجتبی میر تهماسب و ناصر صفاریان ۲۷آذر، شکایت‌شان از جمال شورجه را توسط وکلای خود (امیر ربیسیان و عادل مقدس) به دادسرای فرهنگ و رسانه تسلیم کردند.
● **جودی دنچ،** بازیگر پیشگسوت و معروف سینما و «تونی موریسون»، نویسنده آمریکایی برنده نوبل ادبیات دو نفر از چهره‌های درخشانی هستند که در بیست‌وهفتمین دوره فستیوال ادبی «هی حضور پیدا می‌کنند. «جودی دنچ» در سال ۱۹۹۹ برای فیلم «شکسپیر عاشق» موفق به کسب جایزه اسکار بهترین بازیگر زن شد و «تونی موریسون» نیز در سال ۱۹۹۲ جایز معتبر نوبل ادبیات را کسب کرد.
● **شرق:** اسکار پس از ۸۶ دوره صاحب لوگو شد. این لوگو یک مثلث است که علامت A نیز هست.
● **کریستینا کونلیاس،** رییس بازار یابی آکادمی با صدور اعلامیه‌ای در این‌باره گفت: این لوگو، امکان ارایه آکادمی را با علامت ویژه خود ممکن می‌کند و این اولین باری است که این امکان محقق شده که در عین حال، نشان، دهنده حمایت ما از هنر نیز است.

عکس از روابط عیوضی سریال «شوخی کردم»